

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۲۵

جمعه ۲۷ مرداد ۱۳۹۶، ۱۸ اوت ۲۰۱۷

رفراندم در کردستان عراق

رفراندم استقلال کردستان عراق قرار است در تاریخ ۲۵ سپتامبر سال جاری برگزار شود. در این مورد پرسش هایی را با محمد آسنگران در میان می گذاریم:

صفحه ۲

انترناسیونال می پرسد:

عراق: پرسش از سمیر نوری دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

صفحه ۴

معاونت لعیان جنیدی، معاون حقوقی روحانی به شرط چادر!

شیرین شمس

صفحه ۵

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

آخرین اخبار از رضا شهابی در زندان رضا شهابی باید فوراً آزاد شود

صفحه ۵

کارگران علیه حکم بربریت شلاق و دستگیری ها

صفحه ۹

نامه ای اضطراری به نهادهای کارگری و

انساندوست در سراسر جهان

احکام شنیع شلاق و زندان را محکوم کنید

صفحه ۹

خبر و نظر

- * گوشمالی آمرین به معروف گسترش یافته است
- * مصالح ملت از نگاه روحانی!
- * روسای بانک یا مقامات امنیتی؟
- * صحنه هایی که به یاد خواهند ماند
- * داستان مهدی کروی

صفحه ۷ و ۸

صحبتی با کارگران فولاد اهواز

اصغر کریمی

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف جریان دارد!
تجمعات اعتراضی ۲۴۰ درصد افزایش یافته است!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

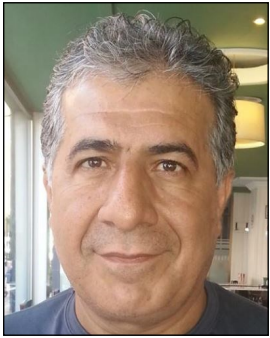
صفحه ۱۰

ماموران شهرداری یک دستفروش دیگر را به قتل رساندند
مردم قم جنایت حکومت را با تظاهرات پاسخ میدهند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۰

رفراندم در کردستان عراق



محمد آسنگران: ترکیه و ایران می‌توانند اخلال ایجاد کنند اما نمی‌توانند مانع برگزاری رفراندوم بشوند. تنها نیرویی که امکان و قدرت ممانعت از رفراندوم را دارد آمریکا است. زیرا بدون حمایت آمریکا از اقلیم کردستان آنها نیروی قابل اتکایی در مقابل جمهوری اسلامی و ترکیه نیستند. بنابر این تا وقتیکه روابط اقلیم کردستان عراق و آمریکا چنین است، ترکیه و ایران نمی‌توانند مانع ایجاد کنند. در عین حال ترکیه علیرغم اعلام مخالفتش با رفراندوم و استقلال کردستان عراق کمتر نگران این بخش از کردستان است. اساس نگرانی ترکیه کردستان سوریه است. زیرا کردستان سوریه نیرویی حاکمیت را در دست گرفته که متحد پ.ک.ک است و ترکیه هم با پ.ک.ک در جنگ است. علاوه بر این، از نظر استراتژیک ترکیه قبل از هر چیز نگران استقلال کردستان سوریه است. سران حکومت ترکیه مرتب اعلام کرده اند که یک کشور مستقل در شمال سوریه با حاکمیت پی.د. و نیروهای متحد پ.ک.ک را تحمل نمی‌کنند. اما جمهوری اسلامی با کارت فشار دولت بغداد و نزدیکی به بعضی از احزاب ناسیونالیست کرد عراق بازی می‌کند. به دلیل حضور و حمایت آمریکا از اقلیم کردستان عراق جمهوری اسلامی توان و امکان دخالت نظامی ندارد تا بخواهد مانع رفراندوم و استقلال کردستان عراق بشود. کاری که می‌تواند انجام دهد این است که روابطش را قطع کند و از طریق دولت بغداد جنگی را علیه نیروهای حاکم بر کردستان عراق سازمان بدهد. در شرایط کنونی راه انداختن جنگ کار سخت و حتی غیر ممکن بنظر میرسد. زیرا حکومت بغداد بدون حمایت آمریکا توان دفاع از خودش را در مقابل مخالفینش ندارد. آمریکا هم متحد حکومت اقلیم کردستان عراق است. سفر اخیر هیئتی از فرماندهان نظامی رده بالای جمهوری اسلامی به ترکیه یکی از دستورات کارهایش ممانعت از استقلال کردستان عراق و

بنابراین، راه حل مسئله ملی این نیست که با طرح خودمختاری و فدرالیسم سران آن برویم. اگر جایی چنین مسئله ای هست و راه حل می‌طلبد باید از طریق مراجعه به رای مردم سرنوشت آنرا مشخص کرد. مردم باید در یک رفراندوم رای به جدایی یا ماندن در کشور مربوطه بدهند و نتیجه رای مردم هر چه باشد، باید رسمیت پیدا کند. اما توصیه جدایی در هر موردی تابع اوضاع سیاسی مشخص است. مثلا ما در مورد حل مسئله کرد در کردستان عراق توصیه و سیاستمان این است که طی یک رفراندوم مردم به جدایی از عراق رای بدهند بهتر است. زیرا از این طریق هم مسئله کرد حل میشود هم بلاتکلیفی طولانی مدت کردستان عراق تعیین تکلیف میشود. اما در مورد کردستان ایران چنین سیاستی و چنین توصیه ای نداریم و آنرا درست نمیدانیم. بنابراین، توصیه به جدایی به فاکتورهای سیاسی هر دوره ای مربوط است که بدانیم جدایی یا ماندن کدام یک به نفع مردم است.

خلیل کیوان: تشکیل حکومت خودگرا کردستان موازنه قدرت را در منطقه تحت تاثیر قرار داده است. دولت های ترکیه و ایران که خودشان هم با مساله کرد روبرو هستند از مخالفین جنی برگزاری رفراندوم هستند. هشدار می دهند و تهدید می کنند و از حکومت خودگردان می خواهند که از برگزاری رفراندوم صرف نظر کند. بارزانی هشدار داده است که حشدالشعبی، نیروی دست ساز ایران در عراق، نباید اجازه ورود به مناطق کردنشین را داشته باشند. نیروهای نظامی ترکیه با با نیروهای کرد درگیر هستند. سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران به ترکیه سفر کرده است و در دیدار با مقامات نظامی و سیاسی ترکیه نسبت به برگزاری همه پرسی استقلال کردستان عراق هشدار داده اند. آیا ایران و ترکیه در موقعیتی هستند که بتوانند مانع برگزاری رفراندوم شوند و یا اخلاقی در این روند ایجاد کنند؟

صدام حسین ما انتظار داشتیم که احزاب کرد اعلام کنند جدا میشوند و ما به این فکر میکردیم چگونه آنها را قانع کنیم که این کار را نکنند. وقتی در جلسه ای برای تعیین تکلیف آینده عراق با آنها نشستیم گفتیم شما چه انتظاری دارید و آنها درخواست چند میلیون دلار کردند. ما هم بلافاصله با خواست آنها موافقت کردیم...
خلیل کیوان: چرا وضعیت فعلی پایدار نیست؟ راه حل های خودمختار و یا فدرالی چه ایرادی دارند؟ همین امروز کشوری بصورت فدرالی اداره می شوند. نظام های سیاسی آلمان و آمریکا فدرال هستند. شوری سابق مجموعه ای از دول خودمختار بوده است. چرا یکی از این دو راه حل برای حل مساله کرد در دستور قرار نمی گیرد؟
محمد آسنگران: ابتدا لازم است بگویم نه فقط ما بلکه، احزاب حاکم و اپوزیسیون کردستان عراق بارها بشکل رسمی اعلام کرده اند که طرح و حکومت فدرالیستی در عراق و کردستان عراق شکست خورده است. اما اگر شکست هم نمیخورد همچنانکه ما سالهای سال است میگوییم، طرح خودمختاری و فدرالی کردن کردستان عراق و هر جای دیگری در این شرایط نتیجه ای بجز تعمیق تفرقه قومی و دانی کردن هویت قومی نخواهد بود. تجربه کردستان عراق اینرا ثابت کرد و اکنون استدلال زیادی لازم نیست. آمریکا و آلمان و... اگر فدرالی هستند تقسیمات آن بر اساسا ملیت و قومیت نیست بلکه یک کشور را به شکل استانی به فدرالهای مختلف تقسیم کرده اند و عملا هم، نه از ابتدا و نه امروز مسئله آنها ملی و قومی نبوده است. اما نمونه شوروی سابق نمونه خوبی نبود و آنجا بر اساس ملیتهای مختلف کشورهای فدراتیو درست کرده بودند. دیدیم بعد از دهه نود میلادی و شکست بلوک شرق همه آنها دوباره رفتند همان احساسات ملی را باد زند و کشورهای مجزا را برپا کردند.

خلیل کیوان: از مقطع حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱ و قیام در مناطق کردنشین علیه رژیم بعث، جدائی عملی کردستان عراق از دولت مرکزی تحقق یافت. از آن مقطع تا به امروز، کردستان تحت حاکمیت احزاب و نیروهای کرد، خودمختار بوده است. تقریبا یک ربع قرن از شروع این جدایی می گذرد. چرا برگزاری رفراندوم اینقدر بتعویق افتاد؟
محمد آسنگران: احزاب ناسیونالیست کرد با رفراندوم برای استقلال کردستان مخالف بودند. دلیل اصلی به تعویق افتادن رفراندوم، مخالفت احزاب حاکم بر کردستان عراق بود. زیرا، هر کدام از این احزاب سرشان به دولتی وصل بود. بویژه اینکه، حزب اتحادیه میهنی با جمهوری اسلامی و حزب بارزانی با ترکیه رابطه ای گرم داشتند و این رابطه، فراتر از مرادفات دیپلماتیک و اقتصادی بود. آنها به نوعی تحت امر این دولتها بودند. اما مهمتر از این فاکتور، آنها خود را در چهارچوب سیاست آمریکا قرار داده بودند. بویژه حزب بارزانی رابطه بسیار قدیمی با آمریکا داشت. رابطه حزب بارزانی با آمریکا و اسرائیل به اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی برمیگردد. این احزاب پیش از اینکه مسئله شان حل مسئله کرد باشد، هدفشان سهیم شدن در قدرت مرکزی بود. همه این احزاب خود را نماینده بورژوازی کرد میدانستند و از سهم شان نسبت به بورژوازی مرکز ناراضی بودند. از ضعف صدام حسین از دهه ۹۰ تا ۲۰۰۳ استفاده کردند و آن سهمی را که انتظار داشتند به دست آوردند. زیرا بر کلیه درآمدها و سرمایه و اقتصاد و سیاست مناطق کرد نشین تسلط پیدا کردند. در عین حال، میدانستند که با حل مسئله کرد ضرورت وجودی آنها، یا فلسفه ای که بر آن بنا نهاده شده بودند از بین میرفت. حتی بعد از سرنگونی صدام حسین، "پول بریمر" نماینده تام الاختیار آمریکا، در خاطراتش نوشته است که بعد از سرنگونی

سوریه است. اما آنها هر تصمیمی بگیرند نمیتوانند بر خلاف سیاست آمریکا در اقلیم کردستان اقدام جنی انجام بدهند.

خلیل کیوان: دول دیگری، چه در صحنه بین المللی و چه در خاورمیانه بر این روند تاثیر گذارند. سیاست دولتهای آمریکا، اسرائیل و عربستان در قبال برگزاری رفراندوم چیست؟ بنظر می رسد اروپائیان از برگزاری رفراندوم و تشکیل حکومت کرد حمایت می کنند. آیا رفراندوم تشکیل دولت کردی خود به موضوع منازعات بعدی و صف بندی ها و کشمکش های تازه در منطقه و شروع مصائب تازه تر منجر نمی شود؟

محمد آسنگران: ابتدا بگویم که در آخرین گفتگوی تلفنی وزیر خارجه آمریکا با مسعود بارزانی خواهان به تعویق انداختن رفراندوم شده بود. بنابراین، میتوان گفت مخالفت آمریکا دو پهلو است. از یک طرف خواهان حفظ تمامیت ارضی کشور عراق است و از طرف دیگر وزیر خارجه آن خواهان به تعویق انداختن رفراندوم شده است نه مخالفت و نه عربستان نه مخالفت یا توافق خود را اعلام نکرده است. اسرائیل تنها کشوری است که تعدادی از مقاماتش اعلام کرده اند از استقلال کردستان عراق حمایت میکنند. اروپا هم مخالفت یا موافقتی اعلام نکرده است اما، نگرانی خود را از استقلال کردستان بارها اعلام کرده است. گفته اند با استقلال کردستان تمرکز و اتحاد علیه داعش تضعیف خواهد شد. اما اینکه رفراندوم باعث کشمکش و یا منازعات بعدی بشود، احتمالش کم است. چنین کشمکشها و صفتندیهایی با استقلال کردستان عراق میتواند بوجود بیاید. زیرا احزاب حاکم بر کردستان اعلام کرده اند رفراندوم بلافاصله به معنی

استقلال کردستان عراق نیست. با توجه به ماهیت این احزاب استقلال ممکن است سالها طول بکشد و اعلام نشود.

خلیل کیوان: برگزاری فرماند و تشکیل کشور مستقل کردستان چه تاثیری بر اوضاع سیاسی ایران و بویژه بر کردستان خواهد داشت؟

محمد آسنگران: تشکیل کشور کردستان در شمال عراق قطعا تحول مهمی در تغییر موازنه قدرت در منطقه خواهد بود. اگر چنین کشوری تشکیل شود به این معنی است که موقعیت جمهوری اسلامی هم در عراق و هم در منطقه تضعیف خواهد شد. علاوه بر این، گرایش استقلال طلبانه در میان احزاب ناسیونالیست کردستان ایران هم تقویت میشود. اما با توجه به پیشینه تاریخی کردستان در جامعه ایران و حضور قدرتمند جنبش چپ و آزادیخواهی در کردستان ایران و مخالفت احزاب چپ و کمونیست ایرانی با گرایش استقلال طلبانه، در کوتاه مدت و میان مدت شانس زیادی ندارند. در دراز مدت هم به این بستگی دارد که چه تحولاتی در جامعه ایران اتفاق میفتد و روند تحولات منطقه به چه سمتی سیر خواهد کرد.

خلیل کیوان: فضای عمومی در کردستان و مباحث و صف بندی های نیروهای مختلف در کردستان عراق نسبت به برگزاری فرماند چگونه است و چه تاثیری در برگزاری فرماند خواهد گذاشت؟

محمد آسنگران: تا کنون دو حزب گوران (تغییر) و جمعیت اسلامی درخواست کرده اند تاریخ فرماند به تعویق بیفتد. اگرچه اکثریت احزاب کردستان عراق بویژه دو حزب بارزانی و اتحادیه میهنی که دارای نیروی مسلح هستند تاریخ فرماند را ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ اعلام کرده اند. اما گروهها و شخصیتهای نه چندان با نفوذی هم مخالفت خود را با فرماند اعلام کرده اند. اگر این نوع مخالفتیهای داخل کردستان عراق در کنار تنفر عمومی مردم علیه حکومت اقلیم و مخالفتهای منطقه ای و جهانی ببینیم که اکثر آنها خواهان به تعویق انداختن فرماند هستند، فشار مخالفین زیاد است و این احتمال - هر چند ضعیف - وجود

دارد که فرماند را به تعویق بیندازند. میگویم احتمال آن ضعیف است زیرا احزاب موافق فرماند میدانند که اکثریت مردم به جدایی رای خواهند داد. در چنین حالتی تاثیر مهمی بر سرنوشت انتخابات پارلمان و انتخاب رئیس اقلیم کردستان در نوامبر امسال خواهد گذاشت. احزاب مخالف کنونی اگر همچنان بر مخالفت خود برای تعویق فرماند پافشاری کنند بعد از انتخابات نوامبر احتمالاً ضعیف تر از امروز خواهند بود. بنابر این، بارزانی و اتحادیه میهنی با توجه به این حسابگری و با اتکا به تمایل غیر رسمی آمریکا با این فرماند، میخوانند با انجام آن موقعیت خود را در افکار عمومی بهبود ببخشند. زیرا مردم عمیقاً از آنها متنفر هستند.

خلیل کیوان: گفته میشود طی بیست و پنج سال حاکمیت خودگردان در کردستان عراق ستم ملی وجود نداشته و عملاً مساله کرد در چارچوب کشور عراق حاشیه ای شده و یا از بین رفته است. احزاب کرد در قدرت بوده اند. کارنامه این حاکمیت افزایش شکاف طبقاتی، فساد، ارتشاء، بی حقوقی و مصائب بیش از پیش برای مردم کردستان بوده است. همانطور که اشاره کردید مردم از حاکمین کردستان متنفرند. علیرغم این، چرا مردم خواهان برگزاری فرماند هستند؟

محمد آسنگران: این درست است که مردم کردستان بشدت ناراضی و حتی از این احزاب متنفر هستند اما، تاریخ کشتارها و خانه خرابیها و بمبارانها و کشتارهای جمعی یک قرن گذشته علیه این مردم چنان ترس و نگرانی و نا امنی عمیقی بوجود آورده است که تحت هر شرایطی خواهان جدا شدن از عراق و تشکیل کشور مستقل هستند. حتی مخالفین فرماند در کردستان عراق، فقط با تاریخ تعیین شده مخالف هستند نه با اصل فرماند و استقلال کردستان. اینکه گفته میشود مسئله کرد حاشیه ای شده است واقعی نیست. این یک تصور ذهنی و غیر واقعی کسانی است که می گویند چون در ۲۵ سال گذشته ستم ملی اعمال نشده، پس مسئله کرد هم، حاشیه ای شده یا از بین رفته است. این طور فکر

میکند که چون مسئله کرد در نتیجه ستم ملی ایجاد شده است با از بین رفتن ستم ملی مسئله ملی هم کم رنگ شده یا از بین رفته است. این منطق شبیه به منطق ریاضی است در حالیکه منطق مسائل اجتماعی طور دیگری عمل میکند. چنین افرادی نه شناخت درستی از مسائل کردستان دارند و نه شناخت شان از مسائل اجتماعی درست است. رابطه ستم ملی و مسئله ملی اینطور نیست که با از بین رفتن اولی دومی هم اتوماتیک حاشیه ای میشود یا از بین میرود. اگر اینطور بود و این معادله درست بود نباید تفکیکی بین این دو مقوله یعنی ستم ملی و مسئله ملی و راهلهای آنها قائل میشدیم. زیرا رفع ستم ملی از منظر آنها پاسخ مسئله ملی هم هست. ما هم در برنامه حزب و هم در ادبیات کتبی خود بارها اعلام کردیم که راه حل ستم ملی رفع این ستم از طریق برابری حقوقی همه شهروندان است. اما راه حل مسئله ملی رجوع به آراء مردم برای ماندن یا جدا شدن از کشور مربوطه است.

بنابر این در جایی که مسئله ملی بوجود آمده است با رفع ستم ملی خودبخود تمام نمیشود. به همین دلیل ما در برنامه حزب در مورد کردستان علاوه بر رفع ستم ملی راه حل جداگانه ای برای حل مسئله ملی یا مسئله کرد را تصویب کردیم. اما در مورد آذربایجان و بلوچستان و... فکر نمیکنیم ستم ملی به مسئله ملی تبدیل شده است و فقط بر رفع ستم ملی تاکید داریم.

خلیل کیوان: با این اوصاف، شما هنوز فکر می کنید راه حل مساله برگزاری فرماند است. چرا؟

محمد آسنگران: بله، از نظر من مسئله کرد در کردستان عراق همچنان لاینحل مانده است. اختلاف و شکاف ملی بین مردم کرد و عرب اگر نسبت به گذشته بیشتر نشده باشد، کمتر نشده است. همین استقلال دو فاکتور کردستان عراق که نه کشوری مستقل است و نه بخش ارگانیک و اینتگره ای از کشور عراق است، ناشی از بی اعتمادی و اختلافی است که قبلاً مسئله ملی را بوجود آورده و این اختلاف و بی اعتمادی همچنان ادامه دارد. تا وقتی که جدال

ناسیونالیسم کرد و عرب از بین نرفته است و یا فرماندومی برگزار نشده است که مردم تصمیمشان برای ماندن یا جدایی از عراق را اعلام کنند، مسئله ملی همچنان خواهد ماند.

اما یک دلیل مهم دیگری - که فرماند را ضروری میکند - وجود دارد و آن این است که، مردم کردستان عراق اگر حکومت شان را نخواهند - که نمی خواهند - تکلیف شان چیست و چکار باید بکنند. در هر کشوری، اگر حکومتی پاسخ مطالبات مردم را ندهد و برای ساکت کردن آنها دست به سرکوب ببرد، مردم تلاش می کنند آن حکومت را سرنگون کنند. در کردستان عراق مردم در چنین شرایطی باید کدام حکومت را سرنگون کنند؟ حکومت اقلیم کردستان عملاً دو حکومت است نه یک حکومت. بارزانی و طالبانی هر کدام بر بخشی از کردستان تسلط دارند و حکومت و پارلمان و... فقط یک شکل کارتونی است. تجربه هم این را نشان داد. هنگامیکه پارلمان کردستان بر خلاف سیاست بارزانی دست به اقدام زد، از فردای آن روز در پارلمان را قفل کردند و اعضا پارلمان خانه نشین شدند. حزب گوران که ریاست پارلمان را داشت حتی حضورشان در مناطق تحت تسلط بارزانی ممنوع شد.

رئیس پارلمان فقط تا مرز حکومت بارزانی و طالبانی میتواند سفر کند. در یک مورد که قصد داشت از این خط مرزی عبور کند و وارد منطقه تحت تسلط بارزانی بشود، نیروهای نظامی حزب حاکم اجازه ورود او به اربیل را ندادند و او را به مناطق تحت تسلط طالبانی پس فرستادند.

بنابر این اگر مردم حتی بتوانند همین احزاب را سرنگون کنند باید در هر منطقه ای بطور جداگانه حزب مسلط را ساقط کنند. تازه بعد از ساقط کردن آنها چون دولت مستقلی نیستند که مردم بتوانند دولت جدیدی را به قدرت برسانند اتوماتیک حکومت مرکزی بغداد قدرت را در دست خواهد گرفت. با توجه به همه این مشکلات لاینحل، امروز مناسبترین راه حل برای برون رفت از این پلانگیفی این است که طی یک فرماند کشور مستقل کردستان تشکیل شود. این کمک میکند که کارگران، مردم آزادیخواه و معترض و کمونیستها در شرایط بهتری برای رسیدن به مطالباتشان قرار گیرند. زیرا در آن صورت اگر قدرت داشته باشند به جای حاکمان فعلی دولت خودشان را مستقر میکنند و اگر این امکان هم نباشد یک دولت، حال هر دولتی، موظف به پاسخگویی به مطالباتشان خواهد بود.

Yahsat

کانال جدید

KANALJADID

پلاریزاسیون عمودی	فرکانس ۱۲۵۹۴
اف ای سی ۲/۳	سیمبل ریت ۲۷۰۰

انترناسیونال می پرسد:

عراق: پرسش از سمیر نوری دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

انترناسیونال: سفر مقتدا صدر به عربستان و ملاقات وی با محمد بن سلمان آل سعود ولیعهد و وزیر دفاع این کشور و همچنین خروج عمار حکیم از مجلس اعالی عراق که از سازمانهای متحد جمهوری اسلامی است را چگونه ارزیابی می کنید؟ بعلاوه، حیدر عبادی نخست وزیر عراق در مراسم تنفیذ روحانی حضور نداشت. آیا این دو رویداد و عدم حضور نخست وزیر عراق در مراسم تنفیذ روحانی نشانه هایی از تضعیف جمهوری اسلامی در عراق است؟

سمیر نوری: همچنان که شما اشاره کردید، مقتدا صدر به عربستان سعودی سفر کرد و از طرف مقامهای بالای آن کشور مورد استقبال قرار گرفت، او به امارات هم رفت و از طرف شیخ زاید از وی استقبال شد و نه تنها این بلکه، امارات يك هواپیمای ویژه برایش فرستاد که با آن وارد امارات شد. همچنین گفته می شود که مقتدا صدر به زودی به مصر هم سفر خواهد کرد. کشورهایی که مقتدا صدر از آنها دیدن کرده و می کند، جز کشورهای است که حول اتحاد عربستان علیه ایران جمع شده اند و در اولین اقدامشان قطر را بخاطر نزدیکی با ایران مورد تحریم قرار دادند، و همه اینها برای فشار به ایران و کم کردن نفوذ آن در منطقه است. در مورد سوریه هم مقتدا صدر خواهان برکناری بشار است، درحالی که ایران بشدت از او حمایت می کند و صلاح و نیرو را در اختیارش گذاشته اند. علاوه بر این، در خود عراق هم صدر خواهان انحلال گروه شبه نظامی حشد الشعبی است و برخلاف نیروهایی مثل مهندسیین و هادی العماری رئیس نیروهای بلر و بسیاری دیگر از گروه های شیعه که خواهان تقویت حشد الشعبی هستند و می گویند این يك نیروی مردمی است و باید در کنار ارتش بماند و

تقویت شود. اخیرا در اطلاعیه ای یکی از رهبران جریان صدر اعلام کرده که در این مدت مقتدا صدر تهدید به مرگ شده و ایران را متهم کرده که قصد دارند او را ترور کنند تا بتوانند یکی دیگر از برادران او به اسم مرتضی را جانشین وی کنند.

خروج عمار حکیم از شورای اعالی اسلامی و بنیاد گذاشتن جریانی به اسم حکمیه ی وطنی با حذف پسوند اسلامی، نشان از دور شدن وی از ایران دارد. در پی این ماجرا شورای اعالی اسلامی نیز شخصی بنام شیخ حمودی را به رهبری خود انتخاب کرد که فوراً از طرف رژیم اسلامی مورد حمایت قرار گرفت و مسجدی سفیر ایران در عراق پیمای در حمایت از او صادر کرد. در حقیقت درون نیروهای شیعه پلاریزیونی شکل گرفته است، بنحوی که مردم از شروع جنگ داخلی شیعیان صحبت می کنند، که منظور جنگ بین نیروهای طرفدار رژیم اسلامی و نیروهایی است که به کشورهای سنی نزدیک اند و گاهی صحبت بر سر مسله اعراب است که این پروسه هم، اوضاع را به نفع تقویت ناسیونالیسم عرب خواهد بود. گزارشات زیادی از اعتراضات گسترده علیه دخالت ایران در عراق وجود دارد. چندی پیش مردم در شهر نجف يك مرکز آموزشی را که اکثر شرکت کنندگان آن ایرانی و پاکستانی بودند را به آتش کشیدند. ما قبلتر و به هنگام کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری عراق به این اوضاع پرداخته ایم و آرا مورد بررسی قرار دادیم. بخشی از کشمکش امروز در عراق شامل تلاش آمریکا و همپیمانان آن برای جلوگیری از نفوذ ایران و روسیه است، بخش دیگری از آن اعتراضات مردم است علیه دخالت دین و برای سکولاریزم که آنها را دچار بحران کرده.

انترناسیونال: سال گذشته شاهد

با مذهب را بسیار عمیق کرد، بطوریکه کسانی چون عمار حکیم و جمال الدین سفیر و مجلس استان موسنا را ناچار کرد که اعلام کنند که با دستهای آهینین به مقابله با این جنبش ضد مذهبی و سکولاریستی بر خواهند خواست. این جنبش اعتراضی هم اکنون با آن شتاب در میدان نمانده، اما اعتراضات مردم همه جا وجود دارد و همه روزهای جمعه مردم در میدان تحریر بغداد تظاهرات می کنند و جوانان مشغول سازماندهی هستند و بطور گسترده بحث در باره انقلاب و سکولاریزم در میان آنها در جریان است. من فکر می کنم بعد از شکست داعش مردم بیشتر دستشان باز شده و الان بسیار بیشتر احزاب دینی و شخصیتهایشان را مورد نقد و تعرض قرار می دهند. به آتش کشاندن مرکز سکنی در نجف و حمله به شخصیتهایشان در دانشگاه قادسیه، نشانه این است که این جنبش وسیعتر می شود و هر آن ممکن است شعله ورتر شود.

انترناسیونال: تنش بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی که در ماههای گذشته به تبلیغات جنگی شباهت پیدا کرده بود کاهش یافته. یکی از نشانه های آن تفاهم نامه ای است که عربستان سعودی و مقامات جمهوری اسلامی در مورد زائران ایرانی و با وساطت دولت عراق و توسط قاسم الاغروجی وزیر کشور بسته شده است. پس از این تفاهم نامه، اکنون قاسم الاغروجی گفته است که ولیعهد عربستان خواهان میانجیگری بغداد در کاهش تنش با جمهوری اسلامی شده است. آیا ما با چرخش در سیاست این دو کشور و يك تغییری پایدار در

اعتراضات گسترده ای علیه فرقه گرای مذهبی و دفاع از سکولاریسم در بغداد و شهرهای دیگر عراق و بعد فروکش آن بودیم. سرنوشت آن حرکت و تاثیرات آن در اوضاع سیاسی عراق چه بود؟ آیا چشم اندازی برای عروج مجدد آن حرکت وجود دارد؟

سمیر نوری: عراق مسیر بحرانی و مشکلات فراوانی را از سر می گذراند، فساد، فقر و فلاکت، بیکاری و جنگ، دخالت گروه های ملیشیایی، جنگ علیه داعش و ناتوانی احزاب مذهبی حاکم در تامین ابتدائی ترین خواسته های مردم مثل: امنیت و آسایش، بیمارستان، برق و... اکثریت مردم را در مقابل احزاب حاکم و شخصیتهایشان قرار داده است. اعتراض گسترده مردم که ۱۸ استان عراق را در بر گرفت دقیقاً در مقابل حاکمیت مرتجع اسلامی بود. به میدان آمدن صدها هزار نفره مردم در خیابانهای اصلی شهرها و میدان تحریر بغداد، احزاب حاکم را دچار بحران کرد و باعث تشدید اختلاف در آنها شد. این در شرایطی بود که داعش بیش از ۶۰ درصد خاک عراق را در اختیار داشت، اما مردم اعلام کردند که داعش از بی کفایتی شما به اینجا رسیده است. یکی از تاثیرات این جنبش آن بود که بخشی از نیروهای پوپولیست و اسلامی که بیرون حاکمیت بود را به اسم شفاف سازی به میان مردم کشاند. صدربها جنبشی را به اسم حرکت مدنی راه اندازی کردند که معلوم بود با همکاری حزب کمونیست عراق است و حکومت عبادی را ناچار به رفرمهای سوری کرد. اما عمق این جنبش به شکل افقی در میان مردم و بویژه جوانان، سکولاریزم و ضدیت

مناسباتشان روپرو هستیم؟ در این صورت چه زمینه ها و دلالتی باعث این چرخش شده است؟

سمیر نوری: کشمکش بین ایران و عربستان وسعت زیادی پیدا کرده و دو جبهه وسیعی را بوجود آورده است. در چند ماه گذشته با دخالت دونالد ترامپ در ریاض جبهه وسیعی را تشکیل دادند برای جمع کردن دست و پای ایران از منطقه. جنگ یمن و حوسی ها جبهه وسیعی است، سوریه و همه منطقه به نوعی تقسیم شده و من فکر نمی کنم که این دو کشور بتوانند به توافق برسند و اختلافاتشان پایان یابد. عراق کشوری است که از سال ۲۰۰۳ به بعد به کشور مهمی برای ایران تبدیل شده و می توان گفت که ایران آنجا قدرت را در دست دارد. الان امکانی برای سعودی ها فراهم شده که عراق را به کشورهای عربی باز گردانند و از نفوذ ایران بکاهند. سفر قاسم الاغروجی و جبار العتیبی وزیر نفت به عربستان و سفر مقتدا صدر به عربستان و آ

امارات، دیدار وزیر خارجه عربستان از عراق و بازگشایی سفارت آن کشور، باز گشایی مرز عرعر با عربستان، اینها همه نشان از روابط گرم اقتصادی این دو کشور را می رساند. من فکر میکنم که عربستان می خواهد عراق را از کنترل ایران خارج کند و تا آنجا که به میانجیگری عراق بر می گردد، اینها ممکن است بتوانند مسئله زائران و چند مسائل کوچکتر را حل و فصل نمایند، اما عمق اختلافات به لحاظ سیاسی، ایدئولوژی و قطب بندی جهانی و منطقه چنان است که چنین میانجیگریهای به جایی نمی رسد.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

معاونت لیا جنیدی، معاون حقوقی روحانی به شرط چادر؛

شیرین شمس



محرکه، قوی و پرانگیزه برای تغییرات اساسی و ریشه ای هستند و باید ضمن تاکید بر مطالبات بر حق خود، روی جنبش های مبارزاتی برنامه ریزی و حساب کنند و با ایجاد و بسط تشکل های مردم، نهاد و فعالیت علنی و اجتماعی حول پلتفرم های مبتنی بر مطالبات برابری طلبانه و سکولار، باعث پیشروی های بیشتر و ضعیف تر کردن جمهوری اسلامی و عقب راندن هر چه بیشتر این حکومت شوند.

لغو قانون چند همسری و نیز صیغه، تصویب قانون منع خشونت علیه زنان، حق طلاق، حق حضانت کودک، حق برابر در اشتغال و تحصیل، حق ورود به استادیوم، حق سفر به خارج از کشور و دیگر مطالبات بر حق را نمایندگی کند و تحقق بخشد.

لذا، در مقابل این رویکرد باید همچنان اعلام کرد که برای رهایی زنان در ایران آنچه لازم و ضروری است تقویت موج عظیم آزادیخواهی و برابری طلبی جاری در بطن جامعه، تقویت جنبش نوین رهایی زن و نیز جنبش سکولاریستی و در عین حال، سازماندهی و تشکل یابی و مبارزه علنی و هدفمند است. قطعاً در این میان خود زنان نیروی

گرفته و امروز به اعتراف عوامل حکومت خط قرمز حجاب را در ده استان کشور رد کرده، ندارد. این تبلیغات هیچ ربطی به مبارزه جاری در بطن جامعه برای "لغو تفکیک جنسیتی" به عنوان بستری برای بیحقوقی های قانونی زنان ندارد، اینگونه سر و صدا ایجاد کردن ها هیچ ربطی به تلاش برای "حق ورود زنان به استادیوم های ورزشی" در راستای سهم خواهی از امکان عمومی جامعه ندارد. اینگونه تبلیغات هرگز نتوانسته و نخواهد توانست مطالبات پیشرو، برابری طلب و سکولار امروز زنان ایران اعم از لغو قوانین مذهبی و مردسالار، لغو حجاب، لغو تفکیک جنسیتی،

دهند که زنی همچون لیا جنیدی که حق انتخاب پوشش خود را ندارد، بتواند میلیونها زن و مطالبات آزادیخواهانه زنان که امروز "لغو حجاب اجباری" در راس آنها قرار دارد را نمایندگی کند؟! تکلیف شهین دخت مولاردی

دستیار این دوره حسن روحانی در امور حقوق شهروندی که روشن است، وی حتی نتوانست در دوره قبلی به عنوان معاون امور زنان و خانواده، سهم در گرو گرفته شده زنان از استادیوم ها به عنوان یکی از امکان عمومی جامعه را از امامان جمعه و مراجع تقلید بگیرد. تکلیف معصومه ابتکار ملقب به "خواهر مری" سخنگوی گروگانگیران سفارت آمریکا، به عنوان یکی دیگر از زنان معاون و دستیار روحانی که در این دوره به عنوان معاون امور زنان و خانواده منصوب شده هم که معلوم است، وی که طی حکمی از سوی محمد خاتمی "چادری شد" حتی با تشکیل "شبکه سازمان های غیردولتی زنان در ایران" و عنوان رئیس این شبکه، از سال ۱۳۷۵ تا به حال یک گام برای زنان ایران و تحقق مطالباتشان بر نداشته است.

در جواب فائزه هاشمی که خود را نماینده زنان تلقی میکند و گفته است "نبود وزیر زن در دولت روحانی مایه آبروریزی است" هم باید گفت که آنچه مایه آبروریزی است، قوانین مذهبی و مردسالار حکومت شماس که زندگی میلیونها زن در ایران را تحت بدترین تاثیرات و بدترین شرایط تاریخی قرار داده است. این واقعیت را باید پذیرفت که حتی اگر روحانی وزیر زنی هم میداشت، تکلیف همین بود. قوانین ضد زن و سرکوبگر برپا بود، و فقط در جنسیت نماینده اجرایی آن تغییراتی حاصل شده بود. بنابراین باید تاکید کرد که اینگونه رویکردهای برآمده از بدنه نظام جمهوری اسلامی، هیچ ربطی به مطالبات و مبارزات زنان در بطن جامعه ندارد؛ هیچ ربطی به مبارزه برای لغو حجاب که نفس حکومت را

کابینه جدید حسن روحانی، یکبار دیگر تبلیغات واهی حول تغییر چهره مردانه یک قوه از قوه های نرینه سالار جمهوری اسلامی را برملا کرده است. اینبار، هم اصلاح طلبان و فمینیست های اسلامی، و هم فمینیست های غیر اسلامی متوهم، و نیز رسانه های وابسته داخل و خارج که بدنبال سهم جنسیتی از حکومت هستند، دل به این بسته بودند که تعدادی زن در کابینه روحانی ظاهر خواهد شد و بدین صورت موفقیت در انتخاب روحانی را جشن خواهند گرفت، غافل از اینکه مساله بر سر جنسیت وزیران نیست و نخواهد بود؛ بلکه مساله بر سر پیاده سازی قوانین ضد زن و نرینه سالار مبتنی بر دین است که با هر جنسیتی باید اعمال شود.

این طیف سعی دارند این واقعیت را انکار کنند که مساله بیحقوقی و خشونت علیه زنان در ایران منشأ قانونی دارد. این طیف چشم خود را روی این موضوع می بندد که کارکرد حکومت زن ستیز حاکم بر ایران که بر پایه دین اسلام و بر پایه بردگی زن بنا شده، به کرات اثبات کرده که هر فردی با هر جنسیتی در هر مقام دولتی و یا حکومتی قرار بگیرد، می بایست تضمین دهد که قوانین و فرهنگ این حکومت را نمایندگی و در واقع به جامعه تحمیل می کند. قوانین و فرهنگی که جز بیحقوقی، سرکوب و خشونت نتیجه ای برای جامعه، بخصوص زنان نداشته است.

نمونه واضح، آشکار و اخیر این امر، لیا جنیدی به عنوان معاون حقوقی حسن روحانی است که بعد از انتصاب، طی حکمی از سوی روحانی، "چادری شد". حال، اصلاح طلبان و فمینیست های اسلامی و فمینیست های متوهم که در چند سال اخیر با به راه انداختن کمپین "تغییر چهره مردانه"، دیروز در قوه مقننه و امروز در قوه مجریه، آب به آسیاب جنبش اصلاحات می ریزند و در نتیجه با سیاست های تمدید عمر جمهوری اسلامی همراه می شوند، چطور می توانند توضیح

آخرین اخبار از رضا شهابی در زندان رضا شهابی باید فوراً آزاد شود

فوری و بدون قید و شرط وی و لغو کلیه احکام قضایی علیه فعالین این سندیکا و دیگر فعالین کارگری شده است.

با تمام قدرت در کنار رضا شهابی و خانواده اش و در کنار سندیکای شرکت واحد بایستیم و خواستار آزادی فوری رضا شهابی شویم. رضا شهابی باید فوراً آزاد شود. اسماعیل عبیدی و محسن عمرانی از معلمان معترض و آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام و تمامی فعالین سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. احکام امنیتی صادر شده برای تمامی فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض باید لغو شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Free Them Now
Shahla.daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com

۱۷ اوت ۲۰۱۷ - ۲۶ مرداد ۹۶

زندان بازگردانده است. حال علیرغم اینسکه رضا شهابی دوره محکومیتش را سپری کرده است و با وجود اینکه نامه آزادی اش به تاریخ ۹۴/۶/۲۴ را در پرونده خود دیده است، مقامات قضایی تمامی مدت مرخصی پزشکی وی را غیبت محسوب کرده و او را به ۶۲۸ روز دیگر حبس محکوم کرده اند. بدین ترتیب رضا شهابی باید ۹۶۸ روز در زندان بماند و بلافاصله دیگر حکم زندان وی که یکسال است و در همان هنگامیکه زندان بود طی پرونده دیگری به آن محکوم شده بود، اجرا خواهد شد. رضا شهابی اکنون در سالن ۱۰ زندان رجایی شهر منتقل شده است.

به گزارش خانواده وی این سالن که محل نگهداری زندانیان سیاسی است فاقد هر گونه امکانات اولیه زندگی است و زندانیان امکان هوا خوری ندارند و در این گرمای طاقت فرسا حتی از داشتن کولر و یخچال نیز محرومند.

سندیکای شرکت واحد ضمن گزارش این اخبار طی بیانیه ای قوه قضاییه را مسئول حفظ سلامت رضا شهابی دانسته و خواستار آزادی

به گزارش منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد رضا شهابی عضو هیات مدیره این سندیکا از روز بازگردانده شدنش در هفدهم مرداد در اعتصاب غذا بسر میبرد. خواسته او آزادی بدون قید و شرط وی از زندان است. از اعتراض رضا شهابی و خواسته هایش وسیعاً حمایت و پشتیبانی کنیم.

رضا شهابی در ۲۲ خرداد ۸۹ به خاطر مبارزاتش دستگیر و پس از ۱۹ ماه فشار در انفرادی ۲۰۹ اوین به شش سال حبس و پرداخت مبلغ هفت میلیون و پانصد هزار تومان جریمه نقدی و پنج سال محرومیت از فعالیت های سندیکایی از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محکوم گردید. او به دلیل صدمات جسمی ناشی از برخورد خشن ماموران امنیتی در حسین دستگیری و بازجویی ها، در دو مرحله تحت عمل جراحی از ناحیه گردن و کمر قرار گرفت. اکنون دادستانی با سوء استفاده از وثیقه ای که پیشتر برای آملن رضا به مرخصی از وی گرفته شده بود، و به بهانه باقی ماندن سه ماه از محکومیت حبسش و تهدید به ضبط ملک وثیقه گذار، رضا را به

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



اعتراضی توسط بازنشستگان فرهنگی، تامین اجتماعی، پرستاران، و لشگری بصورت سراسری در ساعت ده صبح ۳۱ مرداد در مقابل مجلس اسلامی برگزار میشود و بازنشستگان از سراسر کشور در تدارک برگزاری آن هستند. بازنشستگان در بیانیه هایشان از شهرهای مختلف همکاران خود در سراسر کشور، همکاران معلم شاغل و خانواده ها را به شرکت در این روز فرامیخوانند.

گروههای معلمان از جمله گروه معلمان ۱۹ اسفند اعلام همبستگی با این فراخوان کرده اند، وسیعا خبر رسانی کنیم. گروه اتحاد بازنشستگان طی قطعنامه ای پیشنهادی بر سر خواست برون رفت از خط فقر یعنی؛ (چهار میلیون تومان)، داشتن بیمه های همگانی و درمان رایگان و برداشتن فشارهای امنیتی از فضاهایشان تاکید کرده و اعلام کرده اند که چنانچه به مطالبات آنها پاسخ داده نشود به تجمعات و تحصن خود ادامه خواهند داد. آنها همچنین خواستار اداره و نظارت بر صندوق های بازنشستگی خود و رسیدگی به غارت هرگونه صندوق و موسسه های مالی بازنشستگان مانند جریان کارت صدرا... شده اند. مجموعه این خواستها میتواند مضمون

پلاکاردهای اعتراضی این تجمع اعتراضی بزرگ و شعارهای کوبنده آنان علیه فقر، بیحقوقی، اختلاس ها و داشتن یک زندگی انسانی باشد. زنده باد بازنشستگان

اما کارنامه سپاه علی ربیعی کسی که از مهره های شناخته شده اطلاعات رژیم و شکنجه گر بوده مثل تک تک دیگر سران حکومتی برای مردم روشن است. او وقتی وزیر کار دولت روحانی شد، گفت: "من هنوز به روایتی و از زاویه دیگری هم کار امنیتی می کنم. همین جا که نشسته ام باید با بحران کار و بحران اجتماعی مقابله کنم. فکر می کنید جلوگیری از این بحرانها کار ساده ای است؟".

علی ربیعی درست گفت. در دوره ای که جنبش اعتراضی کارگری چنین با قدرت به جلو گام برمیدارد، به وزیری چون وی نیاز است که در کار امنیتی کردن این اعتراضات هم خیره باشند. اما در مقابل جنبشی اعتراضی علیه امنیتی کردن مبارزات در میان کارگران، معلمان و مردم معترض به راه افتاده است که هر روز ابعاد اجتماعی تری پیدا میکند.

کارزار دفاع از "علی ربیعی" جایگاه تشکلهای باند سپاهی خانه کارگر و شوراهای اسلامی را به عنوان نهادهایی حکومتی به روشن نشان میدهد. باید بساط آنها و وزیر کار "دلسوزشان" علی ربیعی و کل حاکمیت جانیان اسلامی را جارو کرد.

۳۱ مرداد روز تجمع بزرگ سراسری بازنشستگان روز ۳۱ مرداد، روز اعتراض سراسری بازنشستگان برای پیگیری خواستههایشان در مقابل مجلس اسلامی است. این تجمع بزرگ

های اعلام میکنند. کارگران گروه ملی فولاد اهواز بخاطر دستکم ۴ ماه دستمزد در اعتراض به سر میپورند. دور جدید اعتراضات کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز از ۲۹ تیر بخاطر ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده و طلبهایشان بابت حق سنوات و خطر بیکارسازیها آغاز شد است. در شرایطی که اعتراضات کارگران گروه ملی صنعتی اهواز هر روز تعرضی تر میشود و کارگران بر روی خواستههایشان پافشاری میکنند، مدیریت در همدمستی با حراست به ابزار سرکوب دست برده و ده نفر از کارگران از جمله رحیم سعیدی، طارق خلفی، غریب حریرزوی، کریم سیاحی، عباس چلداوی، علی اکبر پناهنده، را در روز ۲۴ مرداد بازداشت شدند که بعد با گرفتن تعهد آزاد گردیدند. اما کارگران به اعتراضاتشان ادامه میدهند. روز ۲۵ مرداد ۶۰ نفر از این کارگران برای پیگیری خواستههایشان به تهران رفته و مقابل مجلس تجمع کردند. صف متحد و قدرتمند کارگران، اتکای آنها به مجمع عمومی و تصمیم گیری های جمعی شان، شرکت خانواده ها در این اعتراضات از جمله حلقه های کلیدی برای تداوم قدرتمند این اعتراضات است.

تبلیغات کثیف شوراهای اسلامی و خانه کارگریهای رژیم یک کارزار داغ خانه کارگریهای و دارودسته های شوراهای اسلامی، این نهادهای دست ساز حکومتی در هفته های اخیر، کارزار دفاع از علی ربیعی وزیر کار دولت روحانی است. اینان در دوره مضحکه انتخابات پست سر روحانی سینه زدند و امروز سنگ ربیعی جلا را تحت عنوان "وزیر دلسوز کارگر" به سینه میزنند.

های بدون حجاب و جنگ آشکار زنان معترض با حجاب این پرچم و سمبل حکومت اسلامی و ابعاد اجتماعی این اعتراض، کارزارهای اعتراضی علیه تفکیک جنسیتی از جمله استادیوم های ورزشی برای همه، طومارهای اعتراضی علیه ازدواج کودکان این قانون بربریت اسلامی، کارزار در دفاع از حقوق کودکان و حق کودکان برای رفتن به مدرسه، کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات، اعتراضات دانشجویان علیه اخاذی های دانشگاهها و برای حق تحصیل رایگان و صدها نمونه دیگر از همین دست، ابعاد تحولات عظیمی را که در راه است به نمایش میگذارد. تحولاتی که در آن جنبش کارگری ثقل مهمی دارد.

مشکل ما حل نشه اهواز
قیامت میشه

این شعار ۴ هزار کارگر گروه ملی فولاد اهواز است. شعارهای اعتراضی این کارگران در وسط شهر، کف زدن و شعار توپ، تانک، فشفشه، بطور واقعی اعلام جنگ کارگران علیه فقر، بیحقوقی، بی تامینی و جهنی است که جمهوری اسلامی به پا کرده است. یکسال قبل کارگران هپکو در وسط شهر اراک راهپیمایی کردند و با شعار زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزادی وای از این وضع، وای از این وضع، سرود آزادی سردادند و شعار آنها به سرود همبستگی در اعتراضات کارگری از جمله به شعار هزاران بازنشسته در تجمع اعتراضی آنها در روزهای آخر سال ۹۵ تبدیل شد. امروز کارگران گروه ملی اهواز با این شعارها، دارند صدای خشم و اعتراض کل کارگران و کل جامعه را علیه توحش سرمایه داری حاکم و زورگویی و قلدری

رشد ۲۴۰ درصدی اعتراضات کارگری در سطح استان مرکزی روز ۲۳ مرداد سردار کیومرث عزیزی فرمانده انتظامی استان مرکزی در جمع خبرنگاران از رشد ۲۴۰ درصدی اعتراضات در سطح این استان که حجم عمده آنها را اعتراضات کارگری به خود اختصاص داده است، سخن گفت. این گفته عزیزی از هراس رژیم و فرماندهانش از فضای اعتراضی جامعه حکایت دارد. این آمار گوشه کوچکی از اتفاق شورانگیزی را که هر روزه در این جامعه شاهدش هستیم، بیان میکند. اعتراضات کارگری گسترده است و هر روز اشکال تعرضی تری بخود میگیرد. از جمله در همین هفته اعتراضات ۴ هزار کارگر گروه ملی فولاد اهواز و تجمعات هر روزه شان در وسط شهر، فضای سیاسی این شهر را متفاوت کرده بود. و در کنار همه اینها فراخوان سراسری بازنشستگان به تجمع بزرگشان برای روز ۳۱ مرداد با خواستههای مهمی چون افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۴ میلیون تومان و درمان رایگان و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات تحرك گسترده ای را برای برپایی يك تجمع اعتراضی سراسری به پا کرده است. از سوی دیگر فضای اعتراضی مردم در شهرهای مختلف و به مناسبت های گوناگون است. از جمله يك نمونه اش اعتراضات هر روزه مالباختگان و راهپیمایی ها و تجمعاتشان در شهرهای مختلف است که شعارهای آنها، صدای اعتراض کل جامعه علیه اختلاس های حکومتیان است. نمونه دیگرش اعتراضات هر روزه مردم علیه محرومیت از اولیه ترین نیازهای زندگیشان و نمونه آن در این هفته در شهر دزفول بخاطر معضل کمبود آب است، که به درگیری مردم این شهر با نیروی انتظامی منجر شد و مردم با شعارهایی چون ما همه با هم هستیم، نیروی انتظامی خجالت، خجالت با سرکوبگران حکومت درگیر شدند. همچنین چهارشنبه

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران

را تکثیر و وسیعا پخش کنید

خبر و نظر

گوشمالی آمرین به معروف گسترش یافته است

برگرفته از صفحه فیسبوک اصغر کریمی

میکند و حش همین است که با کتک سر جای خودش قرار گیرد. - ساعت ۱۰ و ربع شب دوشنبه ۲۶ تیرماه ۹۶، آخوند ۳۶ ساله ای که امام جماعت روستای معتمدیه شهرستان فیروزه و از فعالان حوزه امر به معروف و نهی از منکر بود، در خیابان رازی نیشابور از نزدیک و با افشانه فلغلی توسط یک گروه هشت نفره مورد حمله قرار گرفت و راهی بیمارستان شد و تحت مراقبت های ویژه قرار گرفت.

- محسن فراهانی در اسلام شهر، ۳۱ اردیبهشت ۹۶ امر به معروف و مزاحمت برای دیگران بشدت کتک خورد. این فرد در شهرک جانبازان قائمیه با فضولی در زندگی جوانان و سوالات نامربوط از آنها مزاحمت ایجاد میکرد.

آمار ضرب و شتم ماموران حکومت صدها بار بیشتر از اینها است. تنها موارد معلودی به بیرون درز میکنند. بعضا شرم میکنند کتک خوردن خود را حتی به اعضای خانواده خود اطلاع بدهند و حکومت

- روز چهارشنبه ۱۸ مردادماه ۹۶ در بجنورد، مسلم محمدیاران، دادستان عمومی و انقلاب در شهر بجنورد، مورد هجوم مردم قرار گرفت و زخمی شد.

- شامگاه دوشنبه ۱۶ مردادماه ۹۶ در خیابان ذکریای رازی شهر ری یک آخوند مورد تهاجم جوانان قرار گرفت. بنا به این گزارش جوانان این منطقه اعلام کرده اند که در عکس العمل به قتل اصغر نحوی پور در روز ۲۵ تیر امسال، این آخوند را مورد تهاجم قرار داده اند.

- طبق خبرهای منتشره یکی از اعضای شورای شهر سنندج مورد گوشمالی افراد ناشناس قرار گرفت.

- روز سه شنبه ۳ مرداد ۹۶ یکی از آخوندهای نهاوند که مزاحم زنان و جوانان نهاوندی شده بود توسط دو جوان بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و راهی بیمارستان شد. اقدام این دو جوان مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. همه حاضرین بر این عقیده بودند که این آخوند در کار و زندگی مردم دخالت بیجا و فضولی

مصالح ملت از نگاه روحانی!

برگرفته از صفحه فیسبوک اصغر کریمی

تومان را عملی میکنیم که هزینه کارفرماها را پایین بیاوریم، کارفرماها را از سهم بیمه ای که باید پرداخت کنند هم کاملاً معاف میکنیم که انگیزه بیشتری برای سرمایه گذاری داشته باشند.

فرق دو جناح این است که روحانی صریحاً میگردد دغدغه فقر و محرومیت اکثریت مردم را ندارد. واقعا هم میدانند که در این نظام وعده رفاه که چه عرض کنم حتی کاهش فشار اقتصادی هم دروغی بیش نیست. اما جناح دیگر در دعواهای جناحی خود را طرفدار حل مشکلات اقتصادی مردم جا میزند ولی نسخه اش سرکوب بیشتر و اسلامی کردن بیشتر است. در واقع به روحانی میگردد شرط عملی کردن این برنامه اقتصادی سرکوب بیشتر

روحانی در سخنرانی اش در مجلس شورای اسلامی گفت: ملت ایران مصالح بلندمدت را به رفاه ناپایدار ترجیح می دهد.

صریحتر از این نمیشد به مردم وعده ادامه فقر و فلاکت داد. فعلاً حل معضلات اقتصادی اکثریت مردمی که زندگی شان را تباہ کرده ایم در دستورمان نیست. "ملت ایران" در ۳۸ سال گذشته هم یعنی به اندازه سه نسل مصالح بلندمدت را به رفاه ناپایدار ترجیح داده است و حاضر است چند نسل دیگر هم منتظر رفاه بماند!

در مقابل کارفرماها اما روحانی به حد کافی سخاوت نشان داده است. میگوید طرح کارورزی یعنی استخدام موقت نیروی جوان و تحصیل کرده با ماهی ۳۰۰ هزار

روسای بانک یا مقامات امنیتی؟

برگرفته از صفحه فیسبوک اصغر کریمی

نیروی انتظامی استان مرکزی همین سه روز قبل گفته بود که تجمعات اعتراضی ۲۴۰ درصد در سال جدید افزایش یافته که اکثراً مربوط به مسائل اقتصادی است. اما ادعای این مقام بانکی یا امنیتی بیشتر اعتراضی است که در حکومت ایشان دستمزد یک پنجم خط فقر و یک صدم حقوق همین مقام بانکی را ششماه ششماه پرداخته نمیشود.

اما اعتراض چهارهزار کارگری که سالها توسط بانک ملی یا یک ارگان دولتی دیگر و یا یک کارفرمای خصوصی به شدیدین وجهی استمار شده و حقوقی که برای آنها توسط شوریاعی کار تعیین شده کمتر از هزینه یک روز زندگی روسای بانک ها و سایر مقامات حکومت است را مشکوک قلمداد کردن بیش از وقاحت و بیشرمی است. ایشان اینرا هم از خمیننی و خامنه ای و رفسنجانی و روسای سپاه و وزارت اطلاعات آموخته است. هر نوع اعتراضی از خیزش میلیونی مردم در سال ۸۸ تا اعتصابات هر روزه کارگری، از اعتراضات هر روزه و هر ساعته علیه حجاب و بیحقوقی تا اعتراض مردم به اختلاس این آقایان همه و همه توسط مقامات حکومت به عوامل مشکوک و استکبار جهانی و اسرائیل نسبت داده میشود. ایشان شاید به خیال خود دارد به مقامات امنیتی! چراغ سبز سرکوب میدهد. اما مقامات امنیتی و انتظامی درس خود را خوب بلدند اگر اعتراضات را به شیوه سابق سرکوب نمیکند علتش به سادگی این است که توان سابق را ندارند.

روابط عمومی بانک ملی در مورد تجمعات اعتراضی کارگران فولاد اهواز که روز ۲۵ مرداد به تهران کشیده شد ادعا کرده است: انجام این اعتصاب و اعتراض در حالی است که بانک ملی ایران ظرف سه ماه اخیر پرداخت هایی در زمینه رفع مشکلات کارگران کارخانه انجام داده است از طرفی در حال حاضر کارخانجات و شرکت هایی هستند که بیش از شش ماه حقوق عقب افتاده دارند ولی از این اعتراضات مشکوک خبری نیست.

اولاً ایشان مقام امنیتیست حکومت است یا یک مقام بانکی! از اظهارات ایشان برمیآید که مثل اکثر مسئولین جمهوری اسلامی هر دو شغل شریف! را دارد. تا مقامی صداقت خود را به حکومت و جنایتش نشان نداده باشد و اعتماد بالاترها را جلب نکرده باشد به مقامی گمارده نمیشود. ثانیاً اعتراض ۴۰۰۰ کارگر فولاد اهواز چه مشکوک باشد چه نباشد اما روسای بانک ملی و سایر مقامات و آیت الله های حکومت مطلقاً افراد مشکوکی نیستند! بی ربطی آنها به هر نوع انسانی، عقب مانده بودن و ارتجاعی بودن آنها، نقش آنها در ماشین جنایت حکومت و در اختلاس ها و دزدی های میلیاری برای همه مردم ایران معرفه است. سوم اینکه ایشان شاید خواب تشریف دارند که میگویند کارگران سایر مراکز که ششماه حقوق نمیگیرند اعتراضی هم نمیکند. سالانه هزاران اعتصاب و تجمع اعتراضی در سراسر کشور مطابق آمار همکارانشان در نیروی انتظامی و ارگانهای امنیتی منتشر میشود.

صحنه هایی که به یاد خواهند ماند

برگرفته از صفحه فیسبوک اصغر کریمی

خواهند شد. این مردم عزم سرنگونی دارند. چه کسی ممکن است در شهر دزفول از مفتخوران باشد و طرفدار چنین حکومتی باشد! کدام جوانی، کدام کارگری، کدام معلم و زحمتکشی، کدام زنی در دزفول ممکن است هنوز به این حکومت

صحنه های اعتراض مردم دزفول به مشکل آب و رفتار وحشیانه سرکوبگران حکومت واقعا دیدنی است. حضور وسیع زنان و روحیه بالایی که مردم در مقابل مزدوران حکومت نشان میدهند، ایستادگی آنها و فریاد خشم و نفرت آنها صحنه هایی بیاد ماندنی

تومان را عملی میکنیم که هزینه کارفرماها را پایین بیاوریم، کارفرماها را از سهم بیمه ای که باید پرداخت کنند هم کاملاً معاف میکنیم که انگیزه بیشتری برای سرمایه گذاری داشته باشند.

فرق دو جناح این است که روحانی صریحاً میگردد دغدغه فقر و محرومیت اکثریت مردم را ندارد. واقعا هم میدانند که در این نظام وعده رفاه که چه عرض کنم حتی کاهش فشار اقتصادی هم دروغی بیش نیست. اما جناح دیگر در دعواهای جناحی خود را طرفدار حل مشکلات اقتصادی مردم جا میزند ولی نسخه اش سرکوب بیشتر و اسلامی کردن بیشتر است. در واقع به روحانی میگردد شرط عملی کردن این برنامه اقتصادی سرکوب بیشتر

خبر و نظر

داستان مهدی کروی

کاظم نیکخواه

مهدی کروی این هفته اعتصاب غذا کرد و بعد از چند ساعت به بیمارستان منتقل شد و اعتصابش را شکست. این خبر در رسانه های دوم خردادی بازتابی وسیع یافت. از رنج کروی گفتند. از دخالت ماموران در زندگیش، از دوربین های مدار بسته و امثال اینها.

از نظر ما و هر انسان آزاده ای مهدی کروی و موسوی و رهنورد حق دارند بخواهند دادگاهی برایشان تشکیل شود، دادگاهشان علنی باشد، وکیل مدافعی با انتخاب خودشان داشته باشند. مامورین حکومت اسلامی حق ندارند زندگی خصوصی آنها را زیر نظر داشته باشند.

اما حقیقت اینست که سینه چاکان مهدی کروی و شرکا فقط اینها را نمیخواهند. تالشانشان اینست که یک بار دیگر یک آخوند را به راس جنبش مردم برانند و این جنبش را

مثله کنند. سوال ما از این جماعت اینست که اولاً آیا همین حقوق ساده ای را که ما برای مهدی کروی و هرکس دیگری قائلیم خود شما برای تک تک مردم این مملکت قائل هستید یا بودید؟ آیا خود کروی و موسوی و خاتمی و بقیه به اپوزیسیون رانده شدگان، هیچگاه در عمرشان از وکیل مدافع و دادگاه علنی برای چپها و مجاهدین و کل زندانیان سیاسی ای که فله ای در خیابانها دستگیر شدند و اعدام شدند دفاع کرده اند؟ آیا جناب کروی خود از اعدام های گروه گروه زندانیان در دهه شصت که هر روز صدها نفر را به گلوله میبستند دفاع نمیکرد؟ آیا در همین سالهای اخیر اپوزیسیون حکومتی و دوم خردادی و موسوی چی، یک بار از اسماعیل عیدی و بهنام ابراهیم زاده و آتنا دائمی و محمد جراحی که به جرم دفاع از کارگران و حقوق انسانی به سالها زندان محکوم شدند دفاع کرده

اند؟ بهرحال هدف از یاد آوری آن فاکتها اینست که بگویم کروی حق دارد زندانی این دیو خبیثی که خود پایه گزاری کرد نباشد، اما اگر مدافعتش فکر میکنند میتوانند دوباره با آخوند و مذهب و اسلام جنبش مردم را مثله کنند، کور خوانده اند.

جمهوری اسلامی را امثال رفسنجانی ها و کروی ها و موسوی ها و گنجی و مهاجرانی و سازاگارا و سروش با جنایت و بیرحمی تمام بر سر مردم ایران حاکم کردند. اینها هم اکنون هم خیلی هایشان حاضر نیستند یک کلمه علیه جلاذانی مثل لاجوردی و خلخالی بر زبان بیاورند. اکنون این دیو خبیثی که امثال کروی ها ساختند بالای جان خود آنها نیز شده است. آیا ما مردم در این شرایط باید از حقوق کروی دفاع کنیم؟ بله. کروی یک قربانی نظامی است که خود پایه گذارش بود. کروی را ما از حکومت اسلامیش

نجات خواهیم داد. اما ما فراموش نکرده ایم که امثال کروی و موسوی و بقیه چه بلایی سر این جامعه آوردند. این را هم باید در کنار مظلومیتشان گفت و نوشت تا اینکه معلوم شود که استفاده از "مظلومیت" اینها برای توهم پراکنی در میان مردم و "سبز کردن" و اسلامی کردن جنبش مردم چقدر نفرت انگیز و زشت و کثیف است.

سینه چاکان کروی و کل جنبش اسلامی قاعدتا باید با مشاهده فضای پیشرو و مدرن و ضد اسلامی جامعه متوجه شده باشند که دوره بازی با کارت اسلام و مذهب و آخوند برای خفه کردن صدای مردم دیگر گذشته است. این جنبش حکومت اسلامی را به سه کنج رانده است. هنوز این حکومت دارد هرروز جنایت میکند اما روشن است که در حالت دفاعی و افول است. این را حتی سرانش هم بر زبان می آوردند. سرنوشت امروز کروی و شرکا نتیجه وضعیت نزار و افول کل حکومت اسلامی است. اینها برای نجات حکومتشان از سقوط و سرنگونی دست به تالشهایی زدند و به ناگهان بدون اینکه بخواهند به اپوزیسیون رانده شدند. و گرنه هنوز در کنار بقیه

مشغول کسب و کار سابقشان بودند. ما مردم باید نسبت به تقلاها و رهبر تراشی های مسخره طیف دو خردادی و ملی اسلامی هشیار باشیم. نباید اجازه دهیم که مبارزات ما تحت الشعاع این نوع اخبار و جنجالها قرار گیرد. همین دو سه روز پیش ماموران حکومت اسلامی مظفر عباسی پلر سه کودک خردسال را جلوی چشم مردم در قم وحشیانه هنگام دستفروشی کشتند. نباید اجازه دهیم که این خبرها از جلوی چشم مردم دور شود. این خبر و اخبار اعتصابات و اعتراضات مردم دزفول و کارگران نورد و هیکو و پتروشیمی و هفت تپه و امثال اینها، قطعاً مهمتر از تحرکات جناحهای حکومت است.

جمهوری اسلامی به جرم جنایات و زندان کردن مردم و اعدامهایش باید سرنگون شود و کل جنبش اسلامی از صحنه جامعه جارو شود. این تنها راه دست یافتن ما مردم به زندگی انسانی است. هرکس که ذره ای دلسوز مردم باشد باید برای جارو کردن کل این جنبش کثیف از صحنه جامعه ایران تلاش کند.

صحبتی با کارگران فولاد اهواز

با حضور آنها بلافاصله بخشی از حقوق شما را پرداختند. بدون سازماندهی برای به میدان آوردن کل همکاران و خانواده هایتان، شما را میتوان فرسوده کنند و همراه با بازداشت و پرونده سازی علیه فعالین شما مبارزه تان را بی سرانجام بگذارند. حکومت از نیروی شما و اعتراض مردم وحشت دارد نمیتواند مبارزه گسترده شما را سرکوب کند اما تلاش میکند با تهدید به اخراج و دستگیری فعالین شما و پاسخ ندادن به خواست هایتان در میان شما تفرقه بیندازد، بخشی از کارگران را خانه نشین کند و شما را از ادامه مبارزه باز دارد.

شما میتوانید و باید بر این موانع غلبه کنید. مبارزات شما و شعارهای کوبنده شما در یک ماه گذشته توجه بسیاری از مردم را جلب کرده است. به این نیرو اتکا کنید. صدها هزار نفر دیگر از

چهار هفته از تجمعات اعتراضی شما میگذرد و شما به درست تجمعاتتان را به مرکز شهر کشانده اید اما هنوز به خواست های شما پاسخی نداده اند و روز ۲۳ مرداد نیروهای امنیتی حکومت تعدادی از شما را بازداشت کردند تا آنها را بدلیل شرکت در این مبارزه تحت فشار قرار دهند. باز هم شما به درست این اقدام سرکوبگرانه را با دامه تجمعاتتان پاسخ دادید و نشان دادید که برای به کرسی نشاندن خواست های بحق تان کوتاه نمیایید. در این مدت عمیق تر و روشن تر از همیشه تجربه کردید که فقط و فقط باید به نیروی خودتان اتکا کنید شما ۴۰۰۰ نفرید و با خانواده هایتان جمعیت بزرگی هستید. تجربه زیادی در اعتصابات و تجمعات طولانی مدت دارید، تجربه حضور خانواده هایتان را در تجمعات زمستان سال قبل دارید که

های دوست را مطلع کنید. از جوانانتان بخواهید در مدیای اجتماعی خواست های شما و مبارزات و فراخوان های شما را همه روزه بازتاب بدهند. نیروی شما زیاد است و به هر درجه در به میدان آوردن این نیرو بهتر عمل کنید موفقیت فعالانه با شما هستیم.

اصغر کریمی

از طرف حزب کمونیست کارگری

ایران

۲۵ مرداد ۱۳۹۶، ۱۶ اوت ۲۰۱۷

فراگرفته است. وقت سازمان دادن این نیرو است. شما یک مرکز بزرگ و شناخته شده صنعتی هستید و این موقعیت را دارید که برای سازماندهی یک نیروی بزرگ ابتکار را به دست بگیرید. با سازماندهی درست همه همکارانتان را در روزهای معینی همراه با خانواده هایتان به تجمع فرابخوانید. خبررسانی کنید و مردم شهر را مطلع کنید. کارگران مراکز دیگر را که مشکلات مشابه شما دارند به تجمع همزمان فرابخوانید. رسانه

کارگران، جوانان و مردم محروم در اهواز خود را عمیقاً با شما همدل میدانند. درد شما درد آنها هم هست. هزاران نفر از جوانان شما بیکارند و در فقر و محرومیت بسر میبرند. آنها هم با شما هستند. هزاران کارگر دیگر حقوق معوقه دارند و مثل شما دستمزدهای ناچیزی دارند. آنها خود را هم جبهه ای شما میدانند و میتوانند از مبارزه شما فعالانه حمایت کنند. خشم و نفرت عمیقی همه مردم را در اهواز و خوزستان و در سراسر کشور



کارگران علیه حکم بر بریت شلاق و دستگیری ها

حکم شلاق شاپور احسانی را نماینده سابق کارگران پروفیل ساوه و از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران با واکنش اعتراض بسیاری روبرو شده است. شاپور احسانی را در بیستم مرداد ماه از سوی شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ساوه به حکم وحشیانه سی ضربه شلاق محکوم شد. در واکنش به این حکم جنایتکارانه علیه شاپور احسانی را اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه بیانیه داده و به آن اعتراض کرده اند. در بخشی از بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران تحت عنوان "در برابر حکم قرون وسطانی شلاق بر علیه شاپور احسانی را با تمام توان ایستادگی خواهیم کرد" چنین آمده است: "صنوبر چنین حکمی بر علیه شاپور احسانی را بیش و پیش از اینکه بیانگر وجود قوه قضائیه و دادگاهی برای ستاندن حق کسی در این مملکت باشد بیانگر وجود دستگاهی است که تمام و کمال در خدمت دزدان و غارتگران است و هر درجه از حق خواهی کارگران را حتی اگر در حد توصیه باشد با زندان و شلاق پاسخ میدهد". در آخر بیانیه بر مبارزه قاطع علیه چنین احکام وحشیانه ای تأکید شده و چنین آمده است: "اتحادیه آزاد کارگران ایران، علیرغم اینکه این حکم نهائی نیست و در دادگاه تجدید نظر قابل تجدید نظر خواهی است اما نفس صدور چنین حکم شنیعی بر علیه شاپور احسانی را را یک گستاخی بی شرمانه علیه حق خواهی طبقه کارگر ایران ارزیابی میکنند و بدینوسیله اعلام میدارد با تمام توان و علیرغم هر هزینه ای که متوجه ما اعضا اتحادیه آزاد کارگران ایران بشود در مقابل آن ایستادگی خواهیم کرد و در سطح گسترده ای با جلب توجه مجامع بین المللی کارگری و حقوق بشری به صدور چنین حکمی و تجمع در مقابل نهادهای حکومتی اجازه نخواهیم داد تن رنجور شاپور احسانی را آماج ضربات تازیانه ستمگران بشود". بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه نیز صدور حکم شلاق برای شاپور احسانی را و

نامه ای اضطراری به نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان احکام شنیع شلاق و زندان را محکوم کنید

حکم وحشیانه شلاق برای شاپور احسانی را محکوم کنید و خواستار لغو این حکم و رفع اتهامات امنیتی از او شوید. شلاق این شکل مجازات اسلامی باید ممنوع شود.

سازمان جهانی کار (آی ال او) را زیر فشار قرار دهید که جمهوری اسلامی ایران را به خاطر نقض پایه ای ترین حقوق کارگران و استانداردهای بین المللی محکوم کند.

خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهبابی، اسماعیل عبیدی، محسن عمرانی، حمید شرقی و آتنا دائمی از فعالین دفاع از حقوق کودک و حقوق زن و فعال علیه اعدام که با ۷ سال حکم در زندان است، شوید.

بخواهید که تمامی زندانیان سیاسی فوراً آزاد شوند. تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی لغو شود. احضار و تهدید رهبران و فعالین کارگری و مردم معترض فوراً متوقف شود.

ما ضمن قدردانی از حمایت های همیشگی شما از مبارزات کارگران در ایران، منتظر اقدام و پاسخ سریع شما هستیم. شما میتوانید با نوشتن نامه، با پیامهای تصویری، با فراخوان به کارزار و به هر شکل و ابتکار دیگر همبستگی خود را با کارگران ایران اعلام کنید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Free Them Now
Shahla.daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com

۱۲ اوت ۲۰۱۷ - ۲۱ مرداد

۹۶

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Free Them Now
Shahla.daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com

۱۷ اوت ۲۰۱۷ - ۲۶ مرداد ۹۶

اعتراضات بسیار با قید وثیقه از زندان مرخص شد، زیر فشار دائم برای بازگرداندن به زندان است. او ۶ سال حکم دارد. محمود بهشتی از معلمان کانون صنفی نیز با ۵ سال حکم زیر فشار دستگیری قرار دارد.

اخیراً دو معلم معترض ظاهر قادرزاده به ۹۱ روز حکم تعلیقی برای سه سال و رضا مسلمی به سه سال حکم تعلیقی زندان محکوم شده اند.

روز یکشنبه ۱۵ مرداد (۶ اوت ۲۰۱۷) ۵۳ کارگر کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به اتهام شرکت در اعتصابات اخیر کارگران نیشکر هفت تپه برای گرفتن حقوق های پرداخت نشده شان احضار شدند و بعد از اعتراضات کارگران این کارخانه با قرار وثیقه آزاد شدند.

این درحالیست که هم اکنون تعداد بسیاری از فعالین و رهبران کارگری و معلمان معترض و فعالین اجتماعی بخاطر مبارزاتشان احکام زندان دارند و خطر دستگیری آنها را تهدید میکند.

اعتراضات کارگری گسترده است، کارگران برای پایه ای ترین حقوقشان چون گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده، داشتن حق تشکل و حق اعتصاب و اعتراض علیه دستمزدهای زیر خط فقر در اعتراض هر روزه هستند، جمهوری اسلامی برای عقب زدن کارگران و تحمیل شرایط سخت تر معیشتی به آنان، فشارهای خود علیه فعالین و رهبران کارگری را شدت داده است. کارگران در ایران به حمایت وسیع بین المللی نیاز دارند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی با اضطراری بودن شرایط جنبش اعتراضی کارگری بر خواسته های فوری زیر تأکید داشته و خواستار حمایت و همبستگی شماست:

اسلامی شده است. کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی، کارزار علیه شلاق و خواست ممنوعیت شلاق این شکل وحشیانه مجازات اسلامی، ادامه دارد.

شاپور احسانی را کارگر اخراجی و نماینده سابق کارگران پروفیل ساوه، از اعضای اتحادیه آزادی کارگران ایران که در اردیبهشت ۹۴ به اتهام تحریک کارگران نورد لوله صفا و اخلاص در نظم عمومی به زندان محکوم شده بود، در روز بیستم مرداد (۱۱ اوت ۲۰۱۷) در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ساوه به حکم وحشیانه سی ضربه شلاق و نه میلیون تومان جزای تقلبی محکوم شد.

رضا شهبابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که به دلیل ضرب و شتم ماموران امنیتی در زمان بازداشت و بازجویی اش در سال ۸۹ (ژوئن ۲۰۱۰) از ناحیه گردن و کمر مورد آسیب قرار گرفته بود، در دوران محکومیتش دو بار تحت عمل جراحی قرار گرفته و سه ماه در مرخصی استعلاجی بود. اکنون دادستان تهران این سه ماه را بهانه کرده و رضا را برای گذراندن آن در هفدهم مرداد (۸ اوت ۲۰۱۷) راهی زندان کرده است.

روز ۱۰ مرداد (اول اوت) حمید شرقی از اعضای سندیکای کارگران فلز کار مکانیک در کرج دستگیر شد.

اسماعیل عبیدی از رهبران اعتراضات معلمان و دبیرکل سابق کانون صنفی معلمان ایران که پس از اعتصاب غذای سخت ۳۸ روزه در مرخصی بسر می برد، در پنجم مردادماه (۲۷ ژوئیه ۲۰۱۷) دستگیر و به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل گردید. او ۶ سال حکم دارد.

محسن عمرانی از معلمان شهر بوشهر بعد از سه روز مرخصی در نهم مرداد (۳۱ ژوئیه) به زندان بازگردانده شد. او یکسال حکم دارد. جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد که بعد از

حکم قرون وسطایی و وحشیانه شلاق برای شاپور احسانی را در رسانه ای کرده و طی نامه ای اضطراری از تمامی نهادهای کارگری و انساندوست و در سراسر جهان خواستار واکنش سریع به این سرکوبگری ها و توحش جانینان

ماموران شهرداری یک دستفروشی دیگر را به قتل رساندند

مردم قم جنایت حکومت را با تظاهرات پاسخ میدهند

شکن کولبری مشغولند و بجای تامین شغل یا بیمه بیکاری و تامین زندگی توسط حکومت در همه جا مورد سرکوب و تعرض ماموران چاقوکش و سرکوبگر شهرداریها قرار میگیرند. علی چراغی یکی از این دستفروشان بود که سه سال قبل توسط آدمکشان شهرداری تهران در برابر چشم فرزندش مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به قتل رسید. در خرمشهر نیز وقتی سه بار متوالی بساط میوه فروشی یونس عساکره توسط شهرداری مصادره شده و مراجعه اش به شهرداری بی پاسخ ماند دست به خودسوزی زد و جانش را از دست داد. در کردستان هر روز کولبران یا مورد تیراندازی قرار میگیرند یا اموالشان مصادره میشود و یا جریمه میشوند. روز ۱۹ مرداد ۱۷ نفر از کولبران در سردشت دستگیر و جریمه شدند و روز ۲۰ مرداد در مرز اشنویه کولبری به نام عزالدین خالدی را با شلیک گلوله کشتند.

قتل وحشیانه مظفر عباسی را باید به موضوع اعتراض در همه جا تبدیل کرد. حزب کمونیست کارگری مردم قم و همه سازمانهای سیاسی و نهادها و تشکلهای کارگری و آزادیخواه را به اعتراض گسترده به این جنایت و جنایات مشابهی که هر روز و در نقاط مختلف کشور علیه دستفروشان زحمتکش انجام میشود فرا میخواند. مقامات و دست اندرکاران حکومت اسلامی باید پاسخگو باشند و محکوم شوند. نباید اجازه داد که جمهوری اسلامی از این جنایت به سادگی عبور کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ مرداد ۱۳۹۶، ۱۳ اوت ۲۰۱۷

در اعتراض به قتل جنایتکارانه مظفر عباسی توسط ماموران شهرداری که شب قبل در شهر قم اتفاق افتاد، صبح امروز ۲۲ مرداد دستفروشان و مردم خشمگین این شهر به خیابان آمدند و با شعار مرگ بر شهرداری به قتل این کارگر دستفروش اعتراض کردند و خواهان پاسخگویی مقامات شهرداری و دست اندرکاران جمهوری اسلامی شدند. تظاهرات مردم قم شب ۲۲ مرداد نیز ادامه یافت. بنا به گفته شاهدان عینی ماموران شهرداری وحشیانه سر مظفر عباسی را چندین بار به بدنه ماشین کوبیدند و او در دم جان سپرد. در پلاکاردهایی که در دست مردم بود خواسته شده بود که برخورد ماموران شهرداری با دستفروشان متوقف شود. تظاهرات مردم قم امشب نیز ادامه یافت.

تکرار قتل و جنایت و تعرض به دستفروشان توسط ماموران پنجه بکس بدست شهرداری این را تاکید میکند که جنایت و قتل در تمام دستگاههای جمهوری اسلامی نهادینه شده است و برای جلوگیری از این جنایات باید کل حکومت را به زیر کشید. جمهوری اسلامی حکومت آدمکشان و چاقوکشان حرفه ای است که برای حفاظت از سیستم چپاول خود دست به هر جنایتی میزنند و حتی از قتل وحشیانه انسان زحمتکش بیکار نیز ابایی ندارند. جواب این جانیان مبارزه و تظاهرات و انقلاب است.

دهها هزار بیکاری که از هر گونه بیمه بیکاری و هر نوع تأمینیه محروم شده اند و کار مناسبی پیدا نکرده اند در شهرهای مختلف به کار پر مشقت دستفروشی و یا در کردستان به شغل پرمخاطره و کمر

اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف جریان دارد! تجمعات اعتراضی ۲۴۰ درصد افزایش یافته است!

بحران عمیق اقتصادی خود را با حمله همه جانبه به معیشت کارگران از سر بگیراند. اخراج و نپرداختن ماهها حقوق کارگران، تلاش برای کاهش مدت زمان بیمه ناچیز فعلی که به بخش کوچکی از کارگران پرداخت میشود، تحمیل بی حقوقی شدیدتر به کارگران در مناطقی مانند عسلیویه و پارس جنوبی و مناطق پانزده گانه و دستگیری فعالین کارگری و پرونده سازی علیه آنها برای مقابله با گسترش اعتراضات کارگری از جمله سیاست های جمهوری اسلامی است. در مقابل، کارگران اعتصابات و اعتراضات خود را گسترش داده اند و مصمم تر و با اعتماد بنفس تر از هر زمان دیگر دست به اعتراض میزنند. ابعاد اعتصابات و اعتراضات کارگری در مراکز مختلف در سطح کشور کارگران را در موقعیتی قرار داده که گام های دیگری به جلو بردارند و متشکل تر و همبسته تر همراه با خانواده های خود دست به اعتصابات بزرگ منطقه ای و سراسری بزنند و با خواست های سراسری و مهم خود در مقابل کارفرماها و جمهوری اسلامی سنگر بندی تازه ای ایجاد کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ مرداد ۱۳۹۶، ۱۴ اوت ۲۰۱۷

همچنین وعده داده شده که طلب های کارگران در شهریور پرداخت خواهد شد. کارگران اعلام کرده اند اگر این وعده ها عملی نشود مجدداً اعتراض را شروع خواهند کرد. کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز نیز روز ۲۱ مرداد دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان نیز فراخوان به تجمع بزرگ خود در روز ۳۱ مرداد داده اند و بخش های مختلف بازنشستگان در نقاط مختلف کشور شروع به فراخوان به تجمع در این روز کرده اند.

جمع قابل توجهی از دستفروشان قم نیز روز ۲۲ مرداد در اعتراض به قتل یکی از کارگران دستفروش بنام مظفر عباسی توسط مزدوران شهرداری این شهر با شعار مرگ بر شهرداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

اینها گوشه ای از اعتراضاتی است که در مراکز و شهرهای مختلف جریان دارد. کیومرث عزیزی فرمانده نیروی انتظامی استان مرکزی گفته است:

«از ابتدای امسال تاکنون ۱۱۸ مورد تجمع در سطح استان داشته ایم که این میزان نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۴۰ درصد رشد داشته است و مسائل کارگری و اقتصادی حجم عمده ای از این تجمعات را به خود اختصاص دادند.»

جمهوری اسلامی تلاش میکند

اعتصابات در مراکز بزرگ و کوچک بطور چشمگیری رشد کرده و طول زمان اعتصابات افزایش یافته است. تنها در دو روز گذشته میتوان به اعتصابات و تجمعات زیر اشاره کرد:

اعتراض ۴۰۰۰ کارگر گروه ملی فولاد اهواز که از ۲۹ تیر شروع شده پس از یکماه همچنان ادامه دارد. حداقل چهار ماه حقوق کارگران پرداخت نشده است. کارگران در روزهای اخیر در مقابل شعب بانک ملی که کارفرمای کارخانه محسوب میشود. در تجمع ۲۲ مرداد کارگران شعار میدادند: مشکل ما حل نشه، اهواز قیامت میشه و در تجمع امروز علیه فساد شعار دادند. اعتراض کارگران سیمان کارون که از ۲۵ تیرماه شروع شده تا امروز ۲۳ مرداد ادامه دارد. حدود ۴۷۰ کارگر رسمی، قراردادی و روزمزد در این کارخانه مشغول به کار هستند که از ۴ تا ۱۷ ماه دستمزد آنها پرداخت نشده است. کارگران علاوه بر جبران این وقعه خواستار پرداخت معوقات بیمه ای خود به تامین اجتماعی هستند.

روز ۲۲ مرداد کارگران خودروسازی رایین در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و اخراج ها در مقابل فرمانداری بم تجمع کردند. صد کارگر این کارخانه تحت عنوان نبود تقدینگی اخراج شده اند که بدنبال اعتراضات کارگران به آنها قول بازگشت به کار داده شده و

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

صفحه فیس بوکی
حزب

fb.com/
wpiran/



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org